

## بررسی راهکارهای کیفی و غیر کیفی حمایت و حفاظت از محیط زیست علی اصغر فرهادی

دانشجوی دکتری حقوق کیفی و جرم شناسی، دانشکده علوم انسانی، واحد ساوه، دانشگاه آزاد اسلامی، ساوه، ایران

سعید عطا زاده<sup>۱</sup>

گروه حقوق، واحد ساوه، دانشگاه آزاد اسلامی، ساوه، ایران

استادیار، عضو هیئت علمی پژوهشگاه علوم انتظامی و مطالعات اجتماعی ناجا، تهران، ایران

محمود قیوم زاده

استاد و هیئت علمی گروه حقوق کیفی و جرم شناسی، دانشکده علوم انسانی، واحد ساوه، دانشگاه آزاد اسلامی، ساوه، ایران

تاریخ دریافت مقاله: ۱۳۹۹/۰۲/۰۸ تاریخ صدور پذیرش: ۱۳۹۹/۰۶/۱۶

### چکیده

حمایت از محیط زیست و ضرورت آن بر کسی پوشیده نیست. حال این حمایت‌ها جنبه‌های مختلفی همچون حمایت کیفی و یا غیر کیفی دارد. برخی معتقدند هر چند قوانین کیفی در حفاظت محیط زیست نقش ایفاء می‌کنند؛ ولی از آن جایی که در این زمینه مشکل اساسی عبارت است از تنظیم قانونی فعالیت‌های مؤسسات تولیدی مسبباً بزرگ، لذا مؤثرترین وسیله برای نیل به منظور تعیین معیارهای دقیق مربوط به پخش و نشر مواد آلوده کننده و به کار بردن معیارها از طریق مقررات اداری می‌باشد. قوانین کیفی نقش محدودی را در این زمینه ایفاء می‌کنند و همین نقش محدود را هم توأم با اجرای مقررات اداری ایفاء می‌نمایند. برخی دیگر معتقدند حقوق جزا مناسب‌ترین روش برای حمایت از محیط زیست می‌باشد؛ زیرا این حقوق عمده‌ترین وسیله حمایت مؤثر از ارزش‌های اساسی اجتماعی است و حالت خوارکنندگی دارد. یافته‌های این تحقیق نشان می‌دهد که بکارگیری همزمان راهکارهای کیفی با راهکارهای غیر کیفی و ادغام اصول حاکم بر آنها با یکدیگر بهترین راه برای حمایت و حفاظت از محیط زیست است. زیرا هر کدام از این موارد به تنهایی دارای معایب و محاسنی است که جز با ادغام آنها نتیجه مطلوب حاصل نمی‌شود.

کلمات کلیدی: محیط زیست، حمایت کیفی، حمایت غیر کیفی، حفاظت از محیط زیست.

## مقدمه

حقوق کیفری همواره به عنوان توانمندترین شاخه‌ی علوم حقوق در تحقیق آرمان‌های ناب عدالت‌گرایانه شناخته شده است. ضرورت حفاظت و حمایت از محیط زیست از طریق تمامی مجراهای موجود بر همگان پوشیده نیست. زمانی دروازه‌های رشته‌هایی از قبیل اخلاق و محیط زیست بر حقوق کیفری گشوده می‌شود که اعمالی مضر و در نقض اصول اساسی آنها تحقق یابد که به اجمال می‌توان گفت که اصولاً زمان مداخله‌ی حقوق جزا پس از شروع به عملیات اجرایی است و مراحل قبلی از حیطه‌ی عمل نظام جزایی خارج است (فرهودی نیا، ۱۳۸۳، ص ۶۷).

جامعه برای ایجاد محیط سالم به منظور زندگی پاکیزه، ارزش زیادی قایل است و برای نشان دادن همین اهمیت از حقوق جزا بر علیه کسانی که بر ضد محیط زیست فعالیت می‌کنند؛ استفاده می‌کند. در مقابل عده‌ای از حقوق‌دانان نظر مثبتی نسبت به این که تنها وسیله حمایت از محیط زیست، حقوق جزا باشد؛ ندارند و معتقدند که حقوق جزا در موارد ذیل مطرح است: اعمال ارادی و با نظر و تصمیم، رفتار عمدی و از روی بی‌احتیاطی، رفتار خصوصی و خسارت واقعی و عملی به قربانی. در حالیکه در خسارت وارد کردن به محیط زیست اعمال جمعی و بی‌احتیاطی و مسامحه بعضاً مطرح است. علاوه بر این، در خسارت زدن به محیط زیست، صدمه به کل جامعه می‌خورد به جای اینکه به فرد مخصوصی وارد شود. به این دلایل اینان معتقد هستند که بهتر است از حقوق اداری در جهت حمایت از محیط زیست استفاده شود با این حال، در مورد حالتی که حملات و تهاجمات عمدی نسبت به تمامیت محیط زیست وجود دارد؛ شایسته است که از حقوق جزا استفاده شود.

بر اساس نظرات این گروه، کسانی که عمداً مخازن نفتی را به آتش می‌کشند؛ جنگل‌ها را نابود می‌کنند و با ریختن مواد سمی اقیانوس‌ها را آلوده می‌سازند؛ مسلماً مستحق خوارگی و خفت بوده و مشمول حقوق جزا خواهند بود.

عده‌ای دیگر با عنایت به مشکلات موجود در استفاده از حقوق کیفری برای حمایت از محیط زیست (که در گفتارهای بعدی به آن می‌پردازیم) معتقدند که ممکن است راهکارهای حقوق مدنی و ضمانت‌اجراهای آن در مواجهه با جرائم زیست محیطی مؤثرتر و مناسب‌تر عمل نمایند. حقوق مدنی دارای خاصیت انعطاف‌پذیری است و ضمانت‌اجراهای آن می‌توانند به شیوه‌ی مؤثرتری با یک موقعیت خاص منطبق گردند. هم‌چنین، این حقوق از مجرای وضع مقررات و وضع دستورات «سیاست‌پیشگیرانه»<sup>۱</sup> را به منظور جلوگیری از آلودگی قریب‌الوقوع تجویز می‌نماید؛ این امر اثبات‌کننده‌ی مشکل موجود در ضمانت‌اجراهای حقوق کیفری سنتی یعنی حبس و مجازات‌های مالی برای اشخاص حقوقی آلوده‌ساز می‌باشد. حقوق مدنی از آنجا که نیازی به اثبات رکن روانی ندارد؛ می‌تواند آسان‌تر از حقوق کیفری به مقاله با اشخاص حقوقی آلوده‌ساز می‌پردازد.

حداقل در کشور استرالیا بسیاری از موارد نقض قوانین زیست محیطی که می‌تواند هم توسط مقررات کیفری و هم مدنی مورد رسیدگی واقع شود؛ تحت صلاحیت قضایی محاکم مدنی رسیدگی می‌شود. زیرا، فرآیند رسیدگی سریع-

<sup>1</sup>-Preventative policing

تر است اثبات دعوی آسان تر می‌باشد؛ ضمانت اجراها انعطاف پذیرند و اغلب اشخاص و گروه‌های حاضر، توانایی دسترسی سریع‌تری به فرآیند رسیدگی مدنی نسبت به کیفری دارند (pain,2001,p9). اگر چه حقوق مدنی باید برای بسیاری از جنبه‌های اجرایی که هم اکنون مرتبط با مقررات حقوق کیفری هستند؛ همانند اعمال پاسخ‌های مدنی و اجرای دستورات و احکام پیشگیرانه بیشتر در نظر گرفته شود؛ اما نمی‌تواند تغییرات و اصلاحات با ارزش و پردوامی را که لازمی حمایت مؤثر از محیط زیست است را فراهم نماید. حقوق مدنی غالباً مانع از بی‌طرفی اخلاقی می‌شود؛ از این رو، ضمانت اجراهایش در جهت سزادهی نمی‌باشد و برای پیشگیری، صلح موقتی یا جبران خسارت است. این خصوصیت، وقتی با سیستمی که در آن برخی از آلودگی‌ها به طور قانونی نقض می‌شود (و به طور ضمنی از نظر اجتماع پذیرفته شده است) می‌آمیزد؛ در روشن ساختن این که کدام آسیب زیست محیطی پذیرفتنی نیست؛ ناموفق عمل می‌نماید. به این سبب، در خصوص این که حقوق کیفری ارزش‌های را ایفاء می‌نماید جای بحث وجود دارد. نظریه پاسخ‌های مدنی به طور وسیعی در قوانین حمایت از محیط زیست ایالات متحده آمریکا مورد استفاده واقع شده است (pain,2001,p9-10). در رابطه با معاهدات بین‌المللی مرتبط با محیط زیست باید عنوان کرد که علی‌رغم وجود معاهدات مختلف که در زمینه حفاظت از محیط زیست وجود دارد، اما متأسفانه به دلیل عدم تعبیه ضمانت‌های اجرایی لازم برای این معاهدات، این اسناد مثرالثر واقع نگردیده‌اند (مولایی، 1386، ص 273-296).

بنابراین، آمیزه‌ای از فرآیند ضمانت اجراهای کیفری و مدنی به نظر مناسب می‌آید و در بسیاری از سیستم‌های قضایی موجود است؛ نکته‌ی مهم در این مورد، ایجاد تعادل میان این دو است. حقوق مدنی بیشتر جوانب مقررات محیط زیست و ضمانت اجراهای حقوقی را کنترل می‌نماید و بیشترین پیشگیری را انجام می‌دهد و البته سیستم مشارکتی را به پیش می‌راند. به همین جهت، امروز گسترده‌ترین تقاضا در آرای عمومی، تقاضا برای موسع نمودن نقش حقوق کیفری و در پی آن مسئولیت کیفری برای حمایت از محیط زیست می‌باشد (Doubovik,1994,p445). لزوم حمایت حقوق کیفری در جرائم زیست محیطی ارتكابی از سوی صنایع و کارخانجات ضرورتی غیرقابل چشم‌پوشی است. دلیل این تقاضای روز افزون به طور ویژه، این نوع از تخلف است. در ادامه ابتدا حمایت کیفری از محیط زیست را از دو جنبه‌ی تقنینی، حمایت قضایی و اجرایی بررسی می‌نماییم و پس از بیان مشکلات موجود در راه حمایت کیفری از محیط زیست، به قسمت مسئولیت کیفری آلوده سازان می‌پردازیم.

### حمایت از طریق قانون گذاری

حقوق کیفری برای حمایت از هر عنصری از محیط زیست در مرحله اول جرم شناختن رفتارهای صدمه زننده به آن عنصر می‌پردازد. تقنین یکی از ستون‌های بنیادی حقوق کیفری برای حمایت از محیط زیست می‌باشد و این ضرورت از لزوم رعایت اصل قانونی بودن جرم و مجازات در حقوق کیفری برخاسته می‌شود. حقوق جزا در مرحله حمایت تقنینی خود ابتدا به جرم‌انگاری می‌پردازد و تخلفات علیه محیط زیست را جرم می‌شناسد.

قوانین و مقررات مربوط به محیط زیست، می‌بایست توانایی پیش بینی علل و عوامل نابودی محیط زیست را پداشته باشند و از آنها جلوگیری به عمل آورند وقتی که تهدیدهای جدی و خسارت‌های غیرقابل جبران وجود دارد عدم تشخیص کامل این تهدیدها نباید دلیلی باشد برای به تعویق انداختن ضوابط جلوگیری از، از بین رفتن محیط زیست (دبیری، ۱۳۸۸، ص ۲۱۸).

در این رابطه نظر، متخصصین ثابت می‌کند که این اصل برای محیط زیست چه از جنبه اکولوژیک و چه از نظر اقتصادی به عنوان یک قاعده برتر محسوب شده چرا که غالباً آسیب‌های وارده به محیط زیست غیرقابل جبران می‌باشند و حتی اگر قابل جبران باشند هزینه‌های بازگرداندن آن به حالت اولیه بسیار سرسام آور می‌باشد. اصل جلوگیری مستلزم استفاده از فنون ویژه از قبیل تجزیه و تحلیل احتمال خطر و پس از آن ارزیابی پیامدها و نتایج اعمال انجام شده است (الکساندر، ۱۳۹۲، ص ۷۸).

حقوق جزا معیارهایی را وضع می‌کند که عمدتاً منعکس کننده ارزش‌های جامعه در مورد این که چه چیزی خطا و مضر است؛ می‌باشد. برای وضع چنین معیارهایی حقوق جزا با دو مشکل عمده روبرو است. اول این که آن دسته از ارزش‌های جامعه که آن چنان مهم هستند که باید بوسیله حقوق جزا (به جای سایر ابزار کنترل از قبیل آموزش، اخلاق و یا مذهب) اجرا گردند (یعنی ضمانت اجرای کیفری داشته باشند) کدامند؟

مشکل دومی که حقوق جزا با آن روبروست آن است که با اعمال ممنوعه (یعنی جرائم) را با دقت نسبی تعریف کند. حقوق جزا باید در مورد ضوابطی که وضع می‌کند؛ دقیق باشد.

مشکلی که وجود دارد؛ عبارت از مشخص کردن شرایط و اوضاع و احوالی است که تحت آن شرایط جرم به وقوع می‌پیوندد (Clarkson, 1987, p22). مثلاً اگر قانون، آلودن محیط زیست را جرم بشمارد؛ تحت چه شرایطی و با وجود چه عناصری جرم محقق می‌شود. به طور مثال در مورد آلودگی هوا، با چه میزان آلودگی، این جرم محقق می‌شود؟ جراحی که یک عکل جراحی خطرناک را بر روی بیمار خود انجام می‌دهد؛ ممکن است وی را بکشد (یعنی عمل جراحی می‌تواند سبب مرگ بیمار گردد) اما اگر عمل جراحی تحت شرایط مناسب و بوسیله جراحی که سعی در نجات جان بیمار خود داشته انجام شده باشد؛ مسلماً هیچ کس راضی به مجازات آن جراح نخواهد بود.

جرم، یک خطای عمومی است از آن جهت که عامه مردم به طور کلی از ارتکاب آن متأثر می‌شوند. جامعه بوسیله جرم تهدید یا آزرده می‌شود. پدیده‌ی مجرمانه به دو شکل و عنوان می‌تواند مورد توجه قرار گیرد. اول این که پدیده مجرمانه به عنوان مفهوم مجرد قانونی نگریسته شود. از این دیدگاه ذهن بیش از هر چیز متوجه مفهوم جرم یا بزه می‌باشد. در این جا به شخص مجرم توجهی نمی‌شود و مجازات با شدت جرم تناسب و بستگی دارد و نسبت به همه افراد یکسان است.

دومین نگرش به پدیده‌ی مجرمانه، به عنوان واقعیت انسانی و اجتماعی می‌باشد. از این دیدگاه بیشتر به شخصیت و انگیزه مجرم و بزهکار توجه می‌شود تا خود جرم و بزه. در این دیدگاه حفظ جامعه مهمتر از قلع و قمع عمل بزهکارانه می‌باشد. لذا همین که فرد حالت خطرناک و جامعه ستیزی داشته باشد؛ برای مقابله با او کافی است بدون

این که مرتکب جرمی شود؛ دیدگاه اول ضامن حفظ حقوق افراد و دومی حافظ حقوق جامعه است. برای آشتی دادن این تعارض، از نظر وجود این پدیده پذیرفتن دیدگاه اول و از نظر چگونگی مقابله با این پدیده، دیدگاه دوم بهتر است (اردبیلی، ۱۳۸۲، ص ۴۹ و ۵۷).

این نوع نگرش به جرم و برخورد با پدیده‌ی مجرمانه، باید در جرائم علیه محیط زیست نیز به کار گرفته می‌شود. هر چند علیه محیط زیست، مسأله خود جرم و آلوده کردن یا منهدم نمودن محیط زیست دارای اهمیت زیادی بوده و محور اصلی توجه ما می‌باشد؛ لیکن نباید فراموش کرد هدف اساسی ما حفظ محیط زیست و حمایت از جامعه‌ی طبیعی و سالم می‌باشد. قلع و قمع و شدت عمل بخشیدن نسبت به مجرم، مطلوب اصلی ما نمی‌باشد. حفظ محیط زیست سالم مهم‌تر از آن بوده و لذا اگر احساس شود حقوق جامعه و محیط زیست به خطر افتاده است؛ می‌توان با حالت خطرناکی شخص حقیقی یا حقوقی هر چند که هنوز مرتکب جرم نشده است؛ مقابله نمود. مثلاً کارخانه‌ای که برای تصفیه فاضلاب و پساب خود تمهیدات لازم پیش‌بینی نکرده و دستگاه‌های صافی به کار نبرده است؛ پر واضح است که فعالیت چنین کارخانه‌ای بالقوه خطرناکی را در آینده نسبت به محیط زیست در پی دارد. لذا همان ابتدا می‌توان در جهت جلوگیری از فعالیت کارخانه و یا اصلاح سیستم خروجی و فاضلاب آن اقدامات لازم را انجام داد.

پس از جرم شناختن آلوده‌سازی و تخریب محیط زیست قانون گذار باید در خصوص نحوه‌ی برخورد با پدیده‌ی مجرمانه، مجازات مورد نظر را پیش‌بینی نماید. مقنن هم چنین باید با توجه به اهداف مجازات‌ها، دریابد آیا با مجازات کردن متخلفین و مرتکبین جرائم علیه محیط زیست به اهداف مورد نظر خویش می‌رسید و تا چه میزان اهداف مجازات‌ها را تأمین می‌نماید.

برای مجازات‌ها اهداف گوناگونی از سوی حقوق‌دانان و سایر دانشمندان علوم انسانی ذکر شده است که برخی از موارد مهم آن‌ها عبارتند از: هدف اخلاقی مجازات‌ها، هدف اربابی مجازات‌ها و هدف اصلاحی مجازات‌ها. در این رابطه جان سواين و گایل بانت<sup>۱</sup> در طراحی که برای کمیسیون اصلاح قانون کانادا در زمینه مجازات‌های مربوط به جرائم علیه محیط زیست پیشنهاد نموده‌اند؛ چهار هدف را به عنوان اصول یا اهداف عام مجازات‌ها بر شمرده‌اند. این چهار هدف عبارتند از: حمایت از عامه مردم، مکافات عمل، اصلاح و بازسازی و ارباب (Swaign & Bunt, 1985, p8).

در انطباق اهداف فوق در جرائم علیه محیط زیست، این موضوع حایز اهمیت بوده و باید بررسی کرد که آیا تمام یا بخشی از اهداف ذکر شده در مجازات نمودن مجرمین علیه محیط زیست نیز قابل حصول است یا خیر؟ در اینکه حمایت از عامه مردم و ملت، مسأله مهمی است جای بحث وجود ندارد؛ لیکن باید دید آیا با مجازات کردن مجرمین علیه محیط زیست، این حمایت بدست می‌آید یا نه؟ در جرائم علیه محیط زیست، ابتدا محیط زندگی موجودات آلوده و به خطر افتاده و سپس عامه مردم از آن متضرر می‌شوند. بنابراین اگر واقعاً بتوان با مجازات کردن

<sup>1</sup>. John Swaign & Gail Bunt.

مجرمین، گام‌های مؤثری در جهت حمایت از محیط زیست برداشت؛ در این صورت با مجازات کردن آن‌ها، از عامه مردم حمایت کرده‌ایم. اما نکته اساسی در همین است که آیا واقعاً با مجازات کردن مجرمین علیه محیط زیست، می‌توانیم از آلودگی و یا انهدام محیط زیست جلوگیری کنیم و یا خیر؟ پاسخ به این سؤال ساده نیست. چرا که می‌دانیم هر چند این مجازات‌ها بی‌تأثیر نیست ولی آیا محیط زیست آلوده و یا تخریب شده مجدداً قابل بازگشت به حالت اولیه بوده و یا اصلاً بار دیگر آلوده نخواهد شد.

اما در مورد هدف اخلاقی مجازات‌ها و یا همان مکافات عمل، با توجه به این که جرائم علیه محیط زیست با بسیاری از جرائم متداول در جامعه از قبیل قتل، سرقت، کلاهبرداری، و ... تفاوت داشته و کمتر جنبه ضد اخلاقی دارد؛ لذا این هدف در مورد جرائم زیست محیطی دارای ارزش کمتری نسبت به موارد مذکور می‌باشد.

در مورد هدف اصلاح و بازسازی نیز باید وضعیت و ویژگی خاص جرائم علیه محیط زیست و شخصیت مرتکبین آن را در نظر گرفت. در این رابطه اولاً افرادی که مرتکب جرائم محیط زیست می‌شوند آن ویژگی‌های شرورانه و یا بد صفتی مجرمین سایر جرائم اجتماعی از قبیل قتل، سرقت و ... را ندارند. کسی که با خودرو معیوب خویش هوا را آلوده می‌کند و یا بطور غیر مجاز ماهی و یا پرندهای را شکار می‌کند با یک قاتل و سارق بسیار تفاوت دارد. ثانیاً بیشتر جرائم مهم علیه محیط زیست توسط اشخاص حقوقی مانند کارخانجات و کارگاه‌های بزرگ ارتکاب می‌یابد. همانند آلوده ساختن رودخانه‌ها به وسیله فاضلاب کارخانه، انتشار مواد شیمیایی و گازهای مضر حاصل از فعالیت‌های کارگاه یا کارخانه و ... در مورد اشخاص حقیقی، مسأله اصلاح و بازسازی تا حدودی می‌تواند مطرح و قابل توجه باشد؛ منتفی می‌باشد. در واقع نسبت به اشخاص حقوقی باید به دنبال اهداف دیگری از مجازات‌ها بود که مؤثر و مفید باشد (Swaign & Bunt, 1985, p13).

اما هدف ارعایی مجازات‌ها در ارتباط با مجازات نمودن مجرمین زیست محیطی، هم نسبت به اشخاص حقیقی و هم نسبت به اشخاص حقوقی می‌تواند مؤثر واقع گردد. تهدید یک کارگاه یا کارخانه نسبت به تعطیل نمودن و یا جریمه کردن آن به دلیل آلودگی محیط زیست، هم نسبت به خود آن کارگاه یا کارخانه و هم نسبت به سایر کارخانجات و کارگاه‌های دیگر جنبه ارعایی و عبرت‌آموز دارد و تا حدودی در کاستن از جرائم علیه محیط زیست تأثیر دارد. همین تأثیر در مورد اشخاص حقیقی نیز مصداق دارد.

بطور خلاصه آنچه در مورد حصول یا عدم حصول اهداف مجازات‌ها در مجازات مرتکبین جرائم علیه محیط زیست می‌توان گفت این است که جنبه مجرمانه بخشیدن به تخلفات و فعالیت‌های مضر بر علیه محیط زیست و مجازات نمودن مرتکبین این تخلفات و فعالیت‌ها، در حمایت از محیط زیست و جلوگیری از آلودگی و انهدام آن بی‌تأثیر نیست. لیکن باید توجه نمود که در سیاست‌های اصولی و کلان، حمایت از محیط زیست می‌تواند نقش مهم و اساسی داشته باشد. زیرا همانطور که قبلاً نیز اشاره کردیم؛ اولاً در حمایت از محیط زیست باید به دنبال روش‌ها و سیاست‌های پیشگیرانه باشیم. محیطی که آلوده و یا تخریب گشت به سادگی قابل برگشت به حالت اولیه نمی‌باشد. ثانیاً در زمینه کاستن از فعالیت‌های مخرب علیه محیط زیست باید از مکانیزم‌های دیگری نیز استفاده نمود.

با این حال نمی‌توان نقش و اهمیت جنبه مجرمانه بخشیدن به تخلفات علیه محیط زیست را نادیده گرفت. اگر مجازات (اعم از حبس یا جریمه و ...) وجود نداشته باشد؛ بسیاری از افراد، حقوق اجتماعی را نادیده گرفت. اگر مجازات (اعم از حبس یا جریمه و ...) وجود نداشته باشد؛ بسیاری از افراد، حقوق اجتماعی را نادیده گرفته و روز به روز بر دامنه‌ی تخریب و آلودگی محیط زیست و نابودی انواع گونه‌های نادر وحش که سرمایه‌های ملی و طبیعی تلقی می‌شوند؛ می‌افزایند. مجمع عمومی سازمان ملل نیز قطعنامه مربوط به حمایت از محیط زیست از طریق حقوق جزا را پذیرفته است (قطعنامه شماره ۴۵/۱۲۱ مورخ ۱۹۹۰ مجمع عمومی سازمان ملل).

مخصوصاً در مورد اشخاص حقوقی و کارخانجات و کارگاه‌ها که عمدتاً به دلیل سودجویی بیشتر و افزون طلبی، محیط زیست را آلوده می‌سازد. مجازات (جریمه، تعطیلی و ...) می‌تواند نقش مفید و مؤثری در بازداشتن آنان از آلودگی و تخریب محیط زیست داشته باشد.

در سیر تحولی سیاست جنایی و جرائم و مجازات‌ها، مکاتب مختلفی در طی چند قرن اخیر بوجود آمده و هر یک دیدگاه‌ها و مواضع جدید و گوناگونی را مطرح نموده‌اند. در این سیر تحولی، دیدگاه‌ها و مواضع مکتب دفاع اجتماعی نوین و یا به تعبیر بهتر همان جنبش دفاع اجتماعی نوین قابل توجه و بررسی می‌باشد.

سیاست مکتب دفاع اجتماعی نوین، سیاست جرم‌زدایی (مخصوصاً اعدام و حبس) گسترش جانشین مجازات‌های حبس می‌باشد. این جانشین‌ها عبارتند از: جریمه نقدی، کار اجباری، کارهای عام‌المنفعه، مراکز هدایت مجرمین، مجازات‌های تبعی و تکمیلی، ممنوعیت اشتغال به برخی فعالیت‌ها تعلق گواهی‌نامه، مصادره یکی از خودروها، مصادره سایر اموال، تعلیق مجازات و ... (آنسل، ۱۳۷۰، ص ۱۰۴).

با این حال مکتب دفاع اجتماعی در مقابل اشکال نوین بزهکاری مانند جرائم یقه سفیدان و جرائم علیه محیط زیست معتقد به یک نظام اجتماعی سنجیده می‌باشد (آنسل، ۱۳۷۰، ص ۱۳۰). این مکتب در برابر جرائم یقه سفیدان که معمولاً از سوی فقرا و نامتعادلان یا ناسازگاران اجتماعی سرزده، بلکه توسط افرادی ارتکاب می‌یابد که در سایه قدرت و توان اقتصادی اجتماعی خود به ضرر افراد مرتکب سوء استفاده می‌شوند؛ حتی معتقد به «ضربه تند، کوتاه و سریع» ناشی از زندان‌های کوتاه مدت می‌باشد.

هر چند از دیدگاه این مکتب، جرائم علیه محیط زیست از اقسام بزهکاری نوین قلمداد شده است و برای مقابله با آن استفاده از ضربه تند، کوتاه و سریع ناشی از حبس پیشنهاد شده است؛ لیکن باید توجه داشت این تنها در مورد آن دسته از اشخاص حقوقی بیشتر می‌تواند مصداق داشته باشد که با قصد افزون طلبی و سودجویی بیشتر دست به تخریب و انهدام محیط زیست و آلودگی آن می‌زنند.

با این حال، به نظر می‌رسد که بکارگیری سیاست جرم‌زدایی این مکتب در قلمرو تخلفات علیه محیط زیست (چه از سوی اشخاص حقوقی و چه از سوی اشخاص حقیقی) و استفاده از سایر روش‌ها و مکانیزم‌ها بهتر و بیشتر می‌تواند اهداف و خواسته‌های ما را در جهت حفظ و حمایت از محیط زیست و داشتن محیطی پاکیزه و سالم برای زندگی، تأمین و تدارک نماید.

با توجه به مباحث اولیه جنبه مجرمانه بخشیدن به تخلفات زیست محیطی و مجازات متخلفین حتی اگر بطور کامل اجرا شود؛ تنها بخش کوچکی از مشکلات مربوط به جلوگیری از آلودگی و انهدام محیط زیست را حل خواهد کرد. مثلاً وقتی که در شهری مانند تهران صرفاً با تعویض سوخت خودروها از بنزین به گاز می‌توان بیش از ۶۰ الی ۷۰ درصد از آلودگی هوا (که عمدتاً ناشی از سوخت خودروها می‌باشد) کاست؛ چه لزومی دارد بجای تعویض سوخت، به جریمه و مجازات دارندگان وسایل نقلیه دودزا پردازیم؟ این کار علاوه بر اینکه نوعی مبارزه با معلول می‌باشد، ما را در رسیدن به هدف نیز چندان موفق نمی‌کند. یا مثلاً بجای اینکه بخواهیم صاحبان صنایع و کارخانجات را حبس یا جریمه کنیم؛ (به علت مثلاً ایجاد آلودگی هوا یا خروج فاضلاب به رودخانه و یا محیط زندگی انسان‌ها) بهتر است از همان ابتدا به گونه‌ای عمل نماییم که هیچ کارگاهی در محیط شهری و در کنار مناطق مسکونی، تأسیس نشده و نیز قبل از شروع فعالیت و اخذ پروانه، تمهیدات لازم از قبیل بکارگیری و تعبیه دستگاه‌های تصفیه کننده فاضلاب و خروج گازها و مواد شیمیایی خطرناک، پیش‌بینی و تدارک دیده شده باشد.

بدین ترتیب، ضمن حرکت در جهت سیاست جرم‌زدایی و کاستن از جرائم و مجازات‌ها و بکارگیری آن در موارد محدود و ناگزیر، می‌توانیم محیط زیستی سالم و پاکیزه داشته و از برخورد خشونت‌آمیز و خشن با مردم نیز پرهیزیم.

### حمایت کیفری از طریق راهکارهای اجرایی و قضایی

بدیهی است حمایت کیفری تنها به جرم‌انگاری و وضع ضمانت اجرا ختم نمی‌شود و مهم‌ترین بخش آن مربوط به قلمرو علمی آن می‌باشد. در این قسمت مراجع قضایی و ضابطین دادگستری در تکاپو برای کشف پدیده‌ی مجرمانه در آغاز و در نهایت اعمال کیفر می‌باشند. از حقوق جزا انتظار می‌رود که برای حمایت از محیط زیست تمامی مراجع و کارگزاران قضایی و اجرایی را به منظور کشف جرم، تعقیب متهمان، تحقیق از آنان، رسیدگی به دعوی کیفری و اجرای احکام به نحو شایسته‌ای بسیج نماید. اساساً از زمانی که جرم اتفاق می‌افتد تا فرا رسیدن موعد اجرای حکم پنج مرحله وجود دارد:

الف - مرحله‌ی کشف جرم: که معمولاً توسط ضابطین انجام می‌شود.

ب - مرحله‌ی تحقیقات مقدماتی: تحقیقات مقدماتی در سیستم کیفری بر عهده‌ی بازپرس و در مواردی وظیفه‌ی دادستان می‌باشد. در این مرحله دو عمل صورت می‌گیرد:

۱. جمع‌آوری دلیل به سود یا زیان متهم.

۲. جلوگیری از فراز یا اختفای متهم که معمولاً بوسیله‌ی اخذ تأمین مناسب کیفری است.

ج - مرحله تعقیب: در این مرحله ابتدا اظهار نظر در خصوص این که عمل ارتكابی جرم است یا خیر و اگر جرم است آیا متهم مرتکب آن شده است؟ توسط دادیار یا بازپرس و با موافقت دادستان صورت می‌گیرد و منتهی به صدور قرار مجرمیت در مرحله تعقیب می‌گردد. این مرحله با صدور کیفرخواست که از وظایف انحصاری دادستان است خاتمه می‌یابد.



د- مرحله دادرسی: از وظایف قضات دادگاه‌ها می‌باشد.

ه- مرحله اجرای حکم: این مرحله در حوزه‌ی اختیارات دادسرا می‌باشد.

علاوه بر مراجع قضایی درگیر در جرائم زیست محیطی (محاکم دادگستری، دادگاه‌ها و دادسراها) مراجع اجرایی از قبیل کلانتری‌ها، سازمان حفاظت از محیط زیست، شهرداری‌ها و ... نیز نقش بسیار مهمی ایفا می‌نمایند.

به موجب ماده ۱ قانون حفاظت و بهسازی محیط زیست (مصوب ۱۳۵۳/۳/۲۸ و اصلاحی ۱۳۷۱/۸/۲۴) یکی از وظایف سازمان حفاظت محیط زیست ممانعت از هر نوع آلودگی و هر اقدام مخربی که موجب برهم خوردن تعادل و تناسب محیط زیست می‌شود؛ است. مأمورین سازمان که از طریق سازمان مأمور کشف و تعقیب جرائم می‌شوند؛ در صورتی که وظایف ضابطین دادگستری را در کلاس مخصوص زیر نظر دادستان عمومی تعلیم گرفته باشند؛ از لحاظ اجرای قانون حفاظت و بهسازی محیط زیست و قانون شکار و صید در ردیف ضابطین دادگستری محسوب می‌شوند. (ماده ۱۵ قانون فوق‌الذکر). بنابراین، وظیفه‌ی کشف و تعقیب جرائم زیست محیطی به عهده‌ی مأمورین سازمان یا مطابق قانون شکار و صید جنگلبانان است. حیطه اختیارات سازمان بسته به نوع مرتکب جرم در حوزه‌ی حمایت اجرایی متفاوت است. چنانچه شخص حقیقی اقدام به تخریب و آلودگی محیط زیست نماید؛ پروسه‌ی رسیدگی کیفی چنانچه برشمردیم اساساً بر عهده‌ی دادگاه، دادسرا و کلانتری است. البته کشف و تعقیب جرم می‌تواند توسط سازمان نیز صورت گیرد؛ زیرا، کشف جرم، یا بوسیله‌ی حرکات خودجوش مردمی است که با گزارش خود، سازمان را از وقوع تخلف آگاه می‌سازند و با طی بازرسی‌های مأمورین سازمان از مناطق مختلف کشور صورت می‌گیرد. در مورد صنایع آلاینده محیط زیست، در بخش دوم خواهیم دید که سازمان پا را از کشف و تعقیب جرم فراتر نهاده و می‌تواند با صدور دستور از کار و فعالیت آن‌ها ممانعت به عمل آورد.

#### جایگاه و اهمیت پیشگیری در حمایت از محیط زیست

پیشگیری از وقوع آلودگی و جرم زیست محیطی نخستین مرحله از پاسخی است که در برابر تخریب محیط زیست مورد استفاده قرار می‌گیرد. حمایت از بهسازی محیط زیست مستقیماً از نیازهای حیاتی برای حفاظت از زندگی انسانی ناشی می‌گردد تا کیفیت و شرایط آن را تامین کند و پیش شرط‌های غیر قابل اجتناب برای مراقبت از کرامت انسان و سعادت و توسعه شخصیت انسانی را تضمین نماید (Pathak, 1992, p209). لذا تنزل کیفیت محیط زیست یک تهدید جدی برای بقای انسان می‌باشد (ICJ Reports, 1996, p29). حق به محیط زیست و احترام به حقوق بشر ارتباط مستقیم و تنگاتنگی به حمایت و حفاظت از محیط زیست دارد، چرا که زندگی انسان و تداوم حیات او و کیفیت زندگی او منوط به سلامتی و شادابی محیط زیست است و این جزء حق به محیط زیست نامیده می‌شود. (Boyle 1998, p.10)

پیشگیری تعابیر مختلفی دارد و بر مبنای این که در چه موضوعی به کار گرفته شود؛ معنای متفاوتی خواهد داشت. اگر چه نفس پیشگیری در هر زمینه‌ای که باشد؛ به عنوان منابعی برای بروز آفت و مشکل مورد نظر خواهد بود. مانند آن که گفته شده است؛ پیشگیری مهم‌تر از درمان است. این تعبیر در علوم طبیعی نیز مانند پزشکی و محیط زیست کاربرد دارد. تلاش برای جلوگیری از آلودگی محیط زیست به مراتب ارزشمندتر از آن است که برای برطرف

کردن زیان‌های وارده انجام شود. زیرا این امکان وجود دارد که محیط آلوده شده هرگز به وضعیت گذشته خود باز نگردد و آثار منفی این آلودگی همواره بر پیکره محیط زیست باقی بماند.

"سزار بکاریا" دانشمند معروف ایتالیایی قرن هیجدهم، درباره پیشگیری از نگاه حقوق کیفری می‌گوید: «پیشگیری از وقوع جرائم بهتر از کیفر دادن است» (بکاریا، ۱۳۷۷، ص ۱۳۱). وی معتقد بود که هدف اساسی قانون‌گذاری که بخواهد انسان‌ها را به سمت بیشترین خوش بختی و یا کمترین بدبختی راهنمایی کند؛ همین موضوع است و برای پیشگیری از جرائم پیشنهاد می‌کند که قوانین بتدا باید روشن و ساده باشند و تمام قدرت ملت برای دفاع از آن بسیج شود و هیچ قدرتی برای نابودی آن بکار گفته نشود و در مرحله دوم، مردم آموزش داده شوند و نهایتاً به پرهیزگاران پاداش داده شود. این سخن گویای اهمیت فراوان پیشگیری از وقوع جرم در نزد اوست.

پیشگیری از وقوع جرم زیست محیطی در مقررات گوناگون بین المللی مورد توجه قرار گرفته است. مانند: کنوانسیون ساختاری سازمان ملل متحد درباره تغییرات اقلیمی، کنوانسیون ملل متحد درباره محیط زیست و توسعه، پروتکل راجع به آلودگی دریایی ناشی از کشف و استخراج از فلات قاره، پروتکل راجع به حمایت از آلودگی دریایی ناشی از دفع زاید و دیگر مواد، کنوانسیون مربوط به تالاب‌های مهم بین المللی به ویژه تالاب‌های زیستگاه پرندگان آبی.

این موضوع، یعنی پیشگیری از جرم آلودگی و تخریب محیط زیست، در مقررات اجرایی ایران نیز مطرح شده است. برای نمونه می‌توان از ردیف ۸ بند ۱۰ قانون برنامه پنج ساله دوم تحت عنوان محیط زیست و استفاده از منابع طبیعی کشور نام برد. یکی از راه‌های رسیدن به هدف بر اساس ردیف یاد شده چنین است: «حفظ و احیای منابع طبیعی تجدید شونده، حفظ گونه‌های گیاهی کمیاب، جلوگیری از بیابان زایی و کوشش در جهت کویزدایی، جلوگیری از فرسایش و آلودگی خاک، آلودگی هوا، آلودگی‌های آب‌های سطحی و زیرزمینی و محیط زیست دریایی، جلوگیری از تخریب و انهدام زیستگاه‌های حیات وحش کشور و ...».

هم‌چنین، می‌توان موارد دیگری را نیز نام برد مانند ردیف دال بند الف ماده ۴۵ قانون وصول برخی از درآمدهای دولت و مصرف آن در موارد معین، ماده ۷ قانون نفت، ماده ۸ آیین‌نامه اجرایی بندهای ب، ج، د ماده ۴۵ قانون وصول برخی از درآمدهای دولت.

برای ارایه پاسخ پیشگیرانه به آلودگی محیط زیست، از راه‌های مختلف می‌توان اقدام کرد. مانند استفاده از مشارکت عمومی که موضع اصل دهم کنوانسیون محیط زیست و توسعه است، بدون شک اگر بخواهیم در یک گستره فراگیر و مؤثر پیدایش آلودگی محیط زیست را چه در عرصه داخلی و چه بین‌المللی از بین ببریم. باید از تمامی اعضای جامعه کمک بگیریم. این برنامه همان اقدامی است که از آن به نام «سیاست جنایی مشارکتی» یاد شده است و سازمان ملل متحد نیز برای برطرف کردن مشکلات بین‌المللی مانند بحران زیست محیطی، به این روش متوسل شده است (لازرز، ۱۳۷۵، ص ۱۲۳).

به عنوان مثال، بر طبق ماده ۱۷ قانون نحوه جلوگیری از آلودگی هوا، ریاست سازمان محیط زیست می‌تواند در مواقع ضروری و شرایط ویژه، به منظور پیشگیری از بروز خطرات جدی و زیان‌بار زیست محیطی، مانع از فعالیت کارخانه‌ها کارگاه‌های مؤثر در بروز آلودگی شود. متن این ماده چنین است: «در مواقع اضطراری و یا شرایط جوی نامناسب، رئیس سازمان حفاظت محیط زیست می‌تواند کارخانجات و کارگاه‌هایی را که فعالیت آن‌ها خطرات فوری در بر داشته باشد با اخطار سریع خواستار توقف فعالیت آن‌ها گردد و در صورت استنکاف به حکم رئیس دادگاه محل تا رفع موجبات خطر تعطیل نماید». بنابراین، پیش از آن که آلودگی محیط زیست پدید آید و جرم یا جرایمی علیه محیط زیست واقع شود؛ با استناد به این ماده، می‌توان اقدام پیشگیرانه را به مورد اجرا گذاشت. به عبارت دیگر، پاسخ پیشگیرانه به آلودگی محیط زیست و جرائم علیه آن داد.

برای پیشگیری و نیز حفاظت از محیط زیست، شیوه‌های مختلفی مورد استفاده قرار می‌گیرد. شیوه‌های غیر کیفی متعددی نیز وجود دارد که به علت آن که موضوع اصلی بحث ما حمایت از محیط زیست است؛ لذا از پرداختن مفصل به آن خودداری نموده و تنها فهرست وار به آن‌ها اشاره می‌نماییم.

#### نتیجه گیری و دستاورد علمی پژوهشی

جرم‌انگاری تخلفات زیست محیطی و اعمال کیفر نسبت به آن‌ها هزینه‌ای سنگین را به اجتماع تحمیل می‌نماید و این نقطه‌ی تردید در ضرورت حمایت کیفی از محیط زیست است. برخی معتقدند که برای حمایت از محیط زیست صرفاً می‌توان از سایر حوزه‌ها و رشته‌های حقوق همانند حقوق اداری و حقوق مدنی استفاده نمود؛ بدون اینکه نیازی به بکارگیری حقوق جزا باشد.

هر وقت با یک پدیده خطرناک مواجه می‌شویم؛ نگران می‌گردیم و معمولاً برای مقابله با آن، به وضع قوانین کیفی متوسل می‌شویم و غالباً تصویر می‌کنیم که با وضع قوانین جدید کیفی، مشکل حل خواهد شد. وضع قوانین کیفی در طی دو یا سه دهه گذشته، به منظور حفاظت محیط زیست نمونه بارزی از این طرز تفکر به شمار می‌رود. ولی از آن موقع تاکنون این فرصت را داشته‌ایم که بتوانیم مناسب‌ترین و مؤثرترین طریق برای حفاظت محیط زیست را تشخیص دهیم.

قطعاً، جرائم کیفی که به طور دقیق تعریف شده‌اند و سزاوار کیفر و ضمانت اجرای صعب‌تری می‌باشند در سایه‌ی این طرح مشارکتی که برای نیل به این هدف (حمایت از محیط زیست) تعبیه شده است؛ عمل می‌کنند. همانند غفلت شدید یا بی‌توجهی عمدی نیست به محیط زیست یا سلامت عمومی. مقررات و مصوبات در بخش کیفی‌های جزایی هم چنین باید توسعه داده شوند تا میزان گسترده‌ای از ضمانت اجراها را شامل شود.

در انتها شاهد آنیم که حمایت از محیط زیست تنها بر عهده‌ی حقوق کیفی نمی‌باشد. حقوق اداری برای تعیین معیارها، ضوابط و مشخصات آلودگی و به کار بردن این معیارها بوسیله مقررات اداری به کمک نظام حقوقی می‌آید. حقوق مدنی علیرغم ناتوانی ذاتیش در برخورد با پدیده مجرمانه (و عدم صلاحیت قانونیش در مقابله با جرائم) با

وضع ضمانت اجرای پیشگیرانه و با تلفیقش با حقوق جزا در حمایت از محیط زیست باعث تطبیق نگرش ربع- آمیز حقوق کیفری به صدمه زندگان محیط زیست می‌شود.

### منابع

- حسن فرهودی نیا، "اعمال مقدماتی در حقوق کیفری ایران"، علوم جنایی - مجموعه مقالات در تجلیل از استاد محمد آشوری (تهران: چاپ اول، انتشارات سمت، پاییز ۱۳۸۳)
- دبیری، فرهاد، پورهاشم، سید عباس، روستا، فخرالضحی، بررسی اصول و مفاهیم حقوق بین الملل محیط زیست با نگاهی به توسعه پایدار، نشریه علوم و تکنولوژی محیط زیست، دوره یازدهم، شماره ۹، ۱۳۸۸
- سزار بکاریا، رساله جرائم و مجازاتها، ترجمه‌ی محمد علی اردبیلی، تهران، چاپ سوم، نشر میزان، بهار ۱۳۷۷
- سیاست جنایی مشارکت عبارت است از: «سیاست جنایی توأم با شرکت وسیع جامعه». کریستین لازرژ، سیاست جنایی، ترجمه‌ی علی حسین نجفی ابرندآبادی، تهران، چاپ اول، مؤسسه نشر یلدا، پاییز ۱۳۷۵
- قطعه‌نامه شماره ۱۲۱/۴۵ مورخ ۱۹۹۰ مجمع عمومی سازمان ملل.
- کیس، الکساندر، سند، پیتر اچ، ایدالنگ، وینفر، حقوق محیط زیست، ترجمه دکتر حسن حبیبی، انتشارات دانشگاه تهران، چاپ چهارم، ۱۳۹۲
- مارک آنسل، دفاع اجتماعی، ترجمه‌ی علی حسین نجفی ابرندآبادی، تهران، انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۷۰
- محمد علی اردبیلی، حقوق جزای عمومی، نشر میزان، تهران، ج ۱، ۱۳۸۲
- یوسف مولایی، نسل سوم حقوق بشر و حق به محیط زیست سالم، فصلنامه حقوق، مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران، دوره ۳۷، شماره ۴، ۱۳۸۶.

- Boyle, Alen E., and Anderson, Human Rights Approaches to Environmental Protection , Clarendon Press, 1998, p.10
- C.M.V.Clarkson, 1987, "Understanding Criminal", sweet and ,ax well,london
- ICJ Reports of Judgements, Advisory Opinions and Orders, 1996, Vol, 1, Paragraph 29.
- John Swaigen & Gail Bunt. "Sentencing in environment"
- John Swaigen & Gail Bunt. "Sentencing in environment" Case protection of life. Canada. 1985, p.8.
- Nicola pain " Criminal law and environment protection- Overview of issues themes" 2001 [on line] available: <http://www.aic.gov.au/publications/proceedings/26/pain>
- Olga Doubovik.1994," Criminal Enforcement role In Environment " Third International Conference on Environment Enforcement. mexico
- Pathak R.S, The Human Rights System as a Conceptual Framework for Environmental Law in Weiss, E.B (ed), environmental Change and International Law, United Nations University Press, 1992